



یروشتمی آرم باید جاهر کنه



در بخش هدهد بخوانید
در داستان غرق شویم
یک ده
یک خروس



در بسته خبری بخوانید
سربال مهاجرت جو دو کاران ایرانی
همچنان ادامه دارد
ستاره‌ها در
آسمان ما
چشمک نمی زنند

به دنیای بازی های
مخفی کاری خوش آمدید

خودت رو قایم کن...!



نسخه غلط

UNESCO 2030

همه چیز درباره
سند ۲۰۳۰ و همه
حواشی اش



داستان سند ۲۰۳۰ از کجا شروع شد؟

سند ۲۰۳۰ چی هست؟

کجای سند ۲۰۳۰ غلط است؟

کجای سند ۲۰۳۰ غلط است؟

همان طور که گفتیم کارشناسان، نمایندگان مجلس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به سند ۲۰۳۰ اعتراض داشتند. آن‌ها در بیانیه‌ای گاف‌های اساسی این سند را رو کرده و برای همه منتشر کرده‌اند. نمایندگان در فهرست خود به ۱۵ مورد اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین عناوین آن را در ادامه با هم می‌خوانیم. به اعتقاد نمایندگان، یونسکو در جهت اهداف مبتنی بر «جهانی‌سازی» و «صلح جهانی» از طریق برنامه «آموزش‌های مشترک عمومی» می‌کوشد ارزش‌های غربی و ضد اسلامی را در نظام تعلیم و تربیت کشورهای مختلف وارد کند تا به کمک آن از اصطکاک نسل‌های جدید با نظام‌های استبدادی و سرمایه‌داری جلوگیری کند.

به زبان خودمان، آن‌ها می‌خواهند به همه، به‌خصوص بچه‌های کشورهای مسلمان یاد بدهند که به‌عنوان مثال بی‌خیال رژیم صهیونیستی شده و این‌جوری برای رسیدن به صلح و زندگی گل و بلبل تلاش کنند. نکته مهم دیگری که نمایندگان با آن مسئله داشتند، جمع‌آوری اطلاعات و آمار معتبر از کشورها، توسط یونسکو است. ظاهراً براساس این سند، تمام کشورها متعهد هستند که با مرکز آمار و اطلاعات یونسکو همکاری کنند تا یونسکو و مجامع بین‌المللی به آمار و اطلاعات آموزشی و تربیتی کشورها به‌صورت منظم و دوره‌ای دسترسی داشته باشند. کسی هم نمی‌پرسد چرا به این سادگی اطلاعات و آمار یک کشور در اختیار این سازمان باید قرار بگیرد؟ و زنگ خطر در مورد این سند آنجایی به صدا درمی‌آید که متوجه می‌شویم این سازمان، خیلی جدی بی‌گیر وارد کردن بعضی مفاهیم به کتاب‌های درسی کشورهای عضو است؛ مفاهیمی که قطعاً با فرهنگ اسلامی ما سازگار نیست.

موضوع دیگری که در این سند شیک توی ذوق می‌زند، تأکید بر روی آموزش غیر آیدئولوژیک است و این یعنی مخالفت صریح با آموزش صریح دینی در مدارس و بعد از آن هم تأکید بر روی آموزش به‌عنوان تنها شرط لازم برای تغییر و بهبود زندگی دارد، درحالی‌که به‌گفته نمایندگان و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، انسان امروز بیش از گذشته در کنار آموزش، نیازمند معنویات، اخلاق و ارزش‌ها و به‌طور کلی «تربیت» است، که این موضوع عنصر گمشده در برنامه آموزش ۲۰۳۰ است.

داستان سند ۲۰۳۰ از کجا شروع شد؟

آدرماه سال ۱۳۹۵ بود که سندی با عنوان سند ملی آموزش ۲۰۳۰ ایران با حضور وزرای آموزش و پرورش و علوم رونمایی شد. می‌گفتند این سند شرایط و چگونگی تحصیل و سطح سواد را بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ در ایران و دیگر کشورهای عضو این پیمان مشخص می‌کند و می‌گوید که سطح آن باید کجا و چطور باشد. چندروز پس از رونمایی این سند، پیش‌نویسی از محتویات آن نیز منتشر شد. با انتشار این پیش‌نویس، صدای اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و نمایندگان مجلس درآمد و آن‌ها حساسی به محتوای این سند اعتراض کردند، چون معتقد بودند که این سند مغایرت‌هایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد.

اولش وزیر علوم قسم خورد که این سند را امضا نکرده است و گفت: ۲۰۳۰ یک سند نیست، بلکه یک بیانیه است و یونسکو از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بیانیه آموزش برای همه را تهیه کرده بود و از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ نیز آموزش کیفی برای همه و همه‌جا را مطرح کرده است. وزیر آموزش و پرورش نیز در آن‌زمان در رابطه با این مسئله نظر داده بود و گفته بود ما این مسئله را در قالب چارچوب‌ها و اسناد کشورمان انجام می‌دهیم. آن‌طور که مسئولان آموزش و پرورش می‌گویند، آن‌ها سند ۲۰۳۰ را یک تفاهم می‌دانند که به‌وسیله آن می‌تواند از توان کشورها در مسئله آموزش استفاده شود و هیچ تعهدی برای کشورمان درست نمی‌کند. با وجود این ادعا بازهم اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و نمایندگان مجلس نسبت به قبول این سند معترض بودند. خوب است بدانید که تصویب اسناد راهبردی، یعنی اسنادی که قرار است تعیین تکلیف کنند و مسیر و روش را مشخص کنند، به‌خصوص در حوزه علمی، آموزشی و فرهنگی، چه در آموزش و پرورش و چه آموزش عالی به این صورت است که معمولاً در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب می‌شوند. به‌طور مثال نقشه جامع علمی کشور، سند نخبگان، سند مهندسی فرهنگی، سند تحول آموزش و پرورش و اسنادی مانند این‌ها در این شورا تصویب شده است. البته سند ۲۰۳۰ یک جریان جهانی است که یونسکو آن را طراحی کرده، ولی باید با اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی مطابقت داشته باشد و در شورای عالی فرهنگی و شورای اسلامی دانشگاه‌ها به تصویب برسد.

فاطمه نیک‌احتمالاً شنیده‌اید که چندوقت پیش رهبر انقلاب اسلامی در یک سخنرانی به موضوعی با عنوان پذیرش سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو از جانب دولت اشاره و به‌شدت از این موضوع انتقاد کردند. از آنجایی که این سند مربوط به آموزش و پرورش است و آموزش و پرورش هم خیلی خیلی توی زندگی ما نوجوانان نقش دارد، ما هشتی‌ها تصمیم گرفتیم برویم تحقیق کنیم ببینیم این سند چه مطالبی دارد و چرا این‌طور مورد انتقاد رهبر انقلاب قرار گرفته است. اگر شما هم دوست دارید از محتوای این سند مطلع شوید، در ادامه ما را همراهی کنید.

همه چیز درباره سند ۲۰۳۰ و همه حواشی اش نسخه غلط

رهبری درباره این سند چه گفتند؟

با نگاهی به صحبت‌های مقام معظم رهبری در انتقاد نسبت به سند یونسکو، پرسش‌های بهتری به ذهنتان خواهد رسید. ایشان خیلی شفاف و مختصر در این مورد صحبت کرده و نکاتی را روشن کرده‌اند که در ادامه عرض می‌کنیم. در ابتدا ایشان با انتقاد از سند ۲۰۳۰ گفتند: «این سند و امثال آن، مواردی نیستند که جمهوری اسلامی ایران تسلیم آن‌ها شود و امضای این سند و اجرای بی‌سروصدای آن قطعاً مجاز نیست و به دستگاه‌های مسئول نیز اعلام شده است.» بعد در مورد مجموعه یونسکو نظر داده و گفته‌اند: «به چه‌مناسبت یک مجموعه به‌اصطلاح بین‌المللی که تحت‌نفوذ قدرت‌های بزرگ نیز قرار دارد، به خود حق می‌دهد که برای ملت‌هایی با تاریخ و فرهنگ و تمدن گوناگون، تکلیف معین کند.» نکته مهم دیگری که در صحبت‌های ایشان وجود دارد، احتیاج نداشتن ایران به این‌جور سندها و نسخه‌پیچی‌ها است. ایشان در این‌باره گفتند: «اگر چنان‌چه با اصل کار نمی‌توانید مخالفت کنید، صراحتاً اعلام کنید که جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و پرورش، دارای اسناد بالادستی است و احتیاجی به این سند ندارد.» رهبر معظم انقلاب تأکید کردند: «اینجا جمهوری اسلامی ایران است و در این کشور مبنای اسلام و قرآن است. اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر و فاسد غربی بتواند اعمال نفوذ کند. در نظام جمهوری اسلامی پذیرش چنین سندی، معنا ندارد.»

۱۳۹۵

آرزوهای سال ۱۳۹۵ بزرگ‌ترین سند
عنوان سند طرح آموزش ۲۰۳۰ ایران
حضور وزیران آموزش و پرورش و علوم
رونمایی شد

66



سند ۲۰۳۰ چی هست؟

سند آموزشی یونسکو با عنوان «دگرگون‌ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» و با هدف «تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه و اهداف وابسته به آن» در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ در نیویورک به تصویب کشورهای عضو یونسکو رسید که در آن ۱۷ هدف تعیین شده و امضاکنندگان متعهد شده‌اند تا سال ۲۰۳۰ به آن‌ها دست پیدا کنند و برای همین نامش را «سند ۲۰۳۰» گذاشته‌اند. عرض شود خدمتتان همان‌طور که گفتیم، این سند ۱۷ بند دارد.

با یک نگاه کلی به بندهای این سند، هیچ مشکلی نمی‌بینید و با خودتان می‌گویید خیلی هم خوب است و خدا خیرشان بدهد، اما پیش از آنکه جوگیر شوید، کافی است از خودتان و آن‌ها چند پرسش ساده بپرسید؛ اولین پرسش این است که خب قرار است چطور به این بندها برسیم؟

بعد هم کافی است کمی در بعضی گزینه‌ها مثل ایجاد کشورهای صلح‌جو یا جلوگیری از تبعیض و ایجاد برابری جنسیتی دقیق شوید و از آن‌ها بپرسید دقیقاً منظورشان از صلح‌جو و تبعیض چیست؟ همه این‌ها را که بگذارید کنار، بازهم یک پرسش دیگر با این عنوان که چرا شما باید برای ما نسخه بپیچید و چرا ما باید به نسخه شما عمل کنیم، می‌ماند!

به دنیای بازی های مخفی کاری خوش آمدید

خودت رو قایم کن...!

دانیال کریمی طار // همیشه وارد شدن به اتاقی مملو از دشمنان تا دندان مسلح، هیجان انگیز و عاقلانه نیست و می تواند به راحتی منجر به کشته شدن شخصیت اصلی شود. لذا بهترین انتخاب، متوسل شدن به راه های مخفیانه و بی سروصدا برای شکست یا عبور از دشمنان قدرتمند است. اگر می خواهید نیروهای دشمن را بیش از آن که متوجه چیزی شوند، به دیار عدم بفرستید، باید مانند یک نینجای توقفناپذیر، تک تک قدم های خود را حساب شده بردارید. تنها کافی است یک نگاه با دشمن از حضور شما باخبر شود، آن وقت کارتان تمام است. در این گزارش فهرستی از ۱۰ بازی برتر ژانر مخفی کاری را برای شما آماده کرده ایم. بازی هایی که در این فهرست حضور دارند، دریافت نمره بالا از منتقدین، نمرات نسبتاً بالایی نیز از کاربران سایت «متاکریتیک» که حرفه گیم هستند دریافت کرده اند. پس به دنیای بازی های مخفی کاری خوش آمدید.

فرار از زندان فضایی.

«ماجراجوهای ریڈیک» (Chronicles of Riddick: Escape from Butcher Bay) از معرود بسیار زیبایی است که براساس یک فیلم متوسط ساخته شده است. در این بازی که برای رایانه های ش کنسول ایکس باکس عرضه شده، گیمرها در نقش کاراکتری ظاهر می شوند که قصد فرار از یک فوق امنیتی در فضا را دارد. سازندگان تقریباً همه چیز را در این بازی گنجانده اند. نخست که کاراکتر تجهیزات و قدرت های لازم است، گیمرها مجبور به مخفی کاری و فرار از درگیری مستقیم با دشمن هستند. با این حال در ادامه و با افزایش قدرت ها، بازی در بعضی از نقاط تبدیل به یک شوخ نفس گیر می شود. در نهایت باید گفت «ماجراجوهای ریڈیک» هرچیزی که گیمرها از یک بازی شوختر مخفی کاری می خواهند را در اختیارش می گذارد.

آخرین بازمانده.

«تام کلنسی» نامی آشناست، چه برای گیمرها و چه برای کتاب های ژانر نظامی. بسیاری دیگر نام او را به واسطه نگارش یکی از بهترین سری بازی های مخفی کاری تاریخ می اولین قسمت سری «اسپلینتر سل» (Splinter Cell) ۲۰۰۲ عرضه شد. شخصیت اصلی بازی یعنی «سام فیش» از مأموران ویژه سازمان امنیت ملی آمریکا (NSA) است. با نفوذ به پایگاه دشمنان و بدون مطلع ساختن نگهبانان و خطرناک پایگاه، به هدف خود دست یابد. اگر او در این شکست بخورد، جرقه جنگ جهانی سوم زده خواهد پس نگران نباشید، فشار زیادی روی شما نیست. نقاط قوت «اسپلینتر سل» ارائه تجهیزات فوق بین بازکنان است؛ از اسلحه های اتوماتیک و کشتن تا تسلیحاتی که گیمرها با استفاده از آن بی هوشی دشمنان هستند، همه و همه بازی وجود دارند. با این حال هیچ ک تجهیزات، هرچه قدر پیشرفته یا کش هیچ کدام از طرفداران سری، جایگزیر دید در شب سام فیش نمی شوند.

بازگشت فیشر.

در ادامه بازهم به یک قسمت دیگر از سری بازی های اسپلینتر سل و ماجراجویی های سام فیشر این بار هم سام فیشر با پوشیدن لباس و عینک دید در شب معروف خود به تعقیب دشمنان تسلیحات بیولوژیک می پردازد. در این قسمت ده ها سلاح جدید دریافت می کنید تا با استفاده شکار تروریست ها بروید. علاوه بر این تجهیزات جدید، بازی حاوی یک بخش انقلابی است (برای هم بخش چند نفره که در آن گیمرها می توانند در کنار سه مأمور دیگر، توپخانه دشمنان را کشف چند نفره شاید امروز یک بخش عادی به نظر برسد که حتی بازی سازهای دست چندم هم آن می گنجانند، اما در آن زمان وجود این بخش، تحولی واقعی بود.

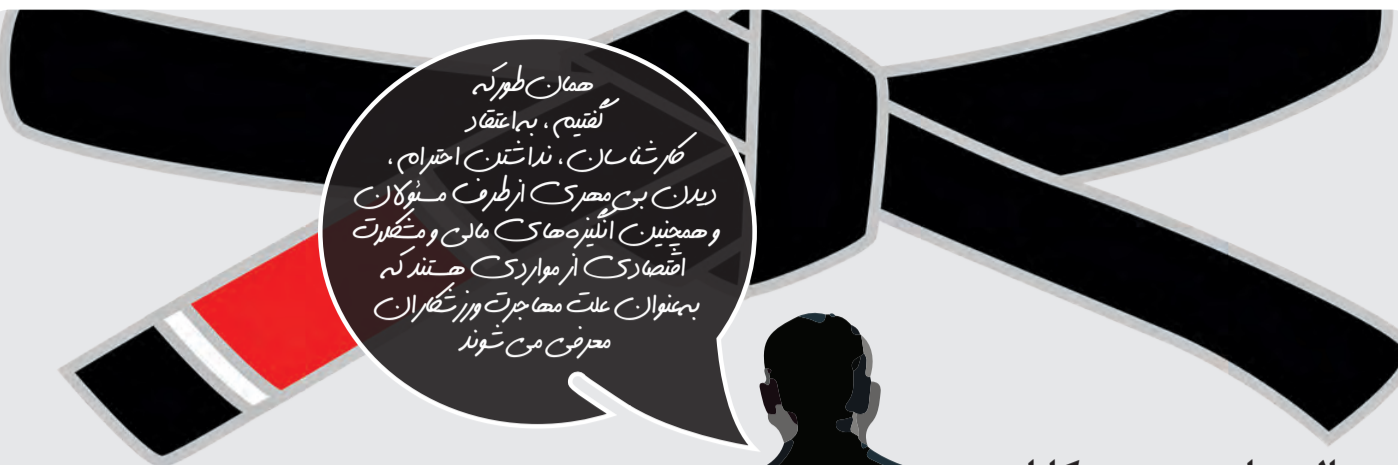
معرفی بازی های جدید

والیبال

بازی دونفره «لژان» اثری استرالیایی - نوبتی، با گیم پلی هیجان انگیز و گرافیک زیباست که می تواند شما را در کنار اعضای خانواده و دوستانتان، ساعت ها سرگرم خود کند. استراتژی بچینید، قدرت همه مهره ها و قابلیت هایشان را امتحان کنید، شیر را به تاجش برسانید یا از طریق تصرف خانه های بیشتر و کسب امتیاز پیروز میدان شوید؛ یک رقابت واقعی. شما در بازی لژان می توانید با استفاده از مهره های اصلی و قابلیت های ویژه در مقابل حریفان یک بازی هجومی یا تدافعی یا تلفیقی از این دو را به نمایش بگذارید. لژان یک بازی رایگان قابل ارتقاء به تعداد بی شماری از مهره ها با توانایی های خاص و قابلیت های ویژه و کاربردی دیگر است.

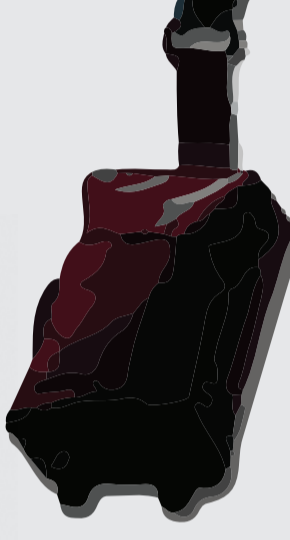


همان طور که گفتیم، به اعتبار کارشان، نداشتن احترام، زبان بی مهری از طرف مسئولان و همچنین انگیزه های مالی و مکتورات اقتصادی از مواردی هستند که به عنوان علت مهاجرت ورزشکاران معرفی می شوند



سریال مهاجرت جودوکاران ایرانی همچنان ادامه دارد

ستاره های ما در آسمان ما چشم نمی زنند



ستاره های جودو یکی پس از دیگری راهی کشورهای دیگر می شوند. این اتفاق موضوع عجیبی است که به شکل سریالی در ورزش کشورمان ادامه دارد.

ورزشکاران مهاجر

تا همین چند وقت پیش ما ایرانی ها مغزهایمان را محکم نگه داشته بودیم که بوقت شبی، نصفه شبی بی خبر برای رسیدن به پول یا مقام یا یک کف دست احترام و جایگاه اجتماعی از کشور فرار نکنند. حالا کار به جایی رسیده که باید به جز مغز، دست و پا و سایر اعضایمان را هم محکم بچسبیم. چون آن طور که بویش می آید، این ها هم آن ور آب خریدار پیدا کرده و کم کم هوس جلالی وطن به سرشان زده است. پول، احترام، آزادی، تجربه جدید یا هر دلیل دیگری این روزها باعث شده که نخبگان و قهرمانان کشورمان هوس رفتن به آن طرف مرزها به سرشان بزند و بار سفر بسته و به فکر خرید بلیت یک طرفه بیفتند. برای نمونه آن طور که رسانه های خبری می گویند، «شایان نصیریور» جودوکار سابق تیم ملی ایران پس از مهاجرت به کشور ترکیه قرار است برای تیم ملی بزرگسالان این کشور فعالیت کند. به عقیده کارشناسان ورزش، نصیریور یکی از جودوکاران خوش اخلاق کشورمان است که به خاطر بی مهری هایی که دیده و مشکلاتی که در تیم ملی ایران داشته، به ناچار ماه گذشته راهی ترکیه شده است. نصیریور طبق آخرین صحبت های رئیس فدراسیون ترکیه، قرار است کنار جودوکاران تیم ملی بزرگسالان ترکیه تمرینات خود را آغاز کند.

داستانی که کهنه است

داستان نصیریور داستان تازه ای نیست. شاید شنیده باشید که پیش از او «جواد محبوب» جودوکار وزن ۱۰۰ کیلوگرم تیم ملی ایران و نایب قهرمان و قهرمان دو دوره مسابقات قهرمانی آسیا و دارنده چندین مدال رنگارنگ، هفته گذشته تهران را به مقصد تایلند ترک کرد. مسعود خسروی نژاد هم به عنوان مربی کنار محبوب حضور دارد. متأسفانه ماجرا به همین جا ختم نمی شود و محسن غفاری، وحید سرلک، مهدی هادی ها و برادران شیخی نیز سال های گذشته پس از مهاجرت از ایران در کشورهای دیگر

مسئولان به فکر باشند

همان طور که گفتیم، به اعتقاد کارشناسان، نداشتن احترام، دیدن بی مهری از طرف مسئولان و همچنین انگیزه های مالی و مشکلات اقتصادی از مواردی هستند که به عنوان علت مهاجرت ورزشکاران معرفی می شوند. شاید الان چندان مهم نباشد که آن ها چرا می روند، اما باید به این فکر کنیم که چطور این ورزشکاران را که سرمایه کشور هستند و برای رشدشان هزینه شده، در کشور نگه داریم. درست است که در بین ورزشکاران مهاجر نام های آشنا هم بوده اند، اما در این بین ورزشکارانی هم بوده اند که با رفتن شان چالش ساخته اند و در کسب موفقیت برای دیگر کشورها مؤثر بوده اند. نمونه آن را هم می توان در رشته های کشتی و تکواندو دید. جز این پدیده پنهانگی و اخذ تابعیت مضاعف هر چه باشد برای وجهه و ورزش کشور صورت خوشی ندارد. پس بهتر است تا اوضاع از این بدتر نشده، مسئولان راه حلی برای این مشکل پیدا کنند.

خبرگزاری جوان

جایزه برای تروریست شدن

یک دانش آموز آمریکایی برای استعداد بالایش برای تبدیل شدن به یک «تروریست» از معلم خود جایزه گرفت. «ویزت ویلاوآ»، دانش آموز کلاس هفتم یک مدرسه راهنمایی در شهر هوستون آمریکاست که موفق شد با نوشتن گزارشی درباره «تروریست شدن» جایزه «بهترین شوخی جعلی» را از معلم خود بگیرد. جایزه «بهترین شوخی جعلی» ایده ای است که در بعضی از مدرسه های آمریکا برای تقویت خلاقیت دانش آموزان طراحی شده است. ظاهراً خلاقیت دانش آموز مذکور زیادی تقویت شده، چون او با این گزارش همه چیز را به هم ریخته است. گزارش این نوجوان درباره راهکارهای تروریست شدن توجه بسیاری از رسانه ها را به خود جلب کرده و برخی از رسانه ها نسبت به احتمال رشد تفکرات افراط گرایی در میان نوجوانان آمریکایی هشدار داده اند. معلم این دانش آموز که به اعطای جایزه «بهترین شوخی جعلی» به این گزارش موافقت کرده بود نیز تا پایان سال تحصیلی از تدریس محروم شد. مادر بخت برگشته این دانش آموز هم حسابی از این ماجرا شوکه شده و به رسانه ها گفته است: «این تنها جایزه ای است که به هیچ عنوان مرا خوشحال نکرده است. گزارش دخترم بیشتر مرا نگران کرد تا خوشحال» و مقامات مدرسه نیز با انتشار بیانیه ای نسبت به ارائه چنین طرح هایی عذرخواهی کردند.



آدم چه خبرا که نمی شنود

ایسنا

موتور سیکلتی که با روغن جلبک کار می کند!

مبتکران هلندی در حال ساخت موتور سیکلتی هستند که با روغن جلبک کار می کند و بیشتر قطعاتش از چوب ساخته شده است. جالب است بدانید که جلبک، مانند زیتون روغن تولید می کند و می توان این روغن را استخراج کرد. روغن جلبک دارای مزیت های زیادی است، زیرا جلبک عمل فتوسنتز انجام می دهد و از طریق این فرایند، دی اکسید کربن دریافت شده از جو را به روغن تبدیل می کند. با سوختن این روغن در موتور سیکلت، دی اکسید کربن منتشر می شود، اما مقدار آن دقیقاً معادل دی اکسید کربنی است که جلبک طی فتوسنتز از جو می گیرد. البته سازندگان این موتور هنوز در حال آزمون و خطا هستند و نسخه نهایی آن ارائه نشده است.



امیدواریم کار کند

سال بقا

شاید قرار دادن این ساخته مشهور استودیو ناتی داگ در این فهرست کمی عجیب باشد، اما بی‌دلیل نیست. تصور بسیاری از گیمرها از یک بازی مخفی کاری، حضور یک مأمور ویژه تا بن دندان مسلح است که به شکار تروریست‌ها می‌پردازد. در «آخرین ما» (Last of Us) گیمرها در نقش جونل، مردی میانسال قرار می‌گیرند که برای حفاظت از دختری که قبول مراقبت از او را داده، مجبور می‌شود در آمریکای پسا آخر زمانی که مملو از سربازان بی‌رحم و موجوداتی آدم‌خوار به نام «کلیکر» است، از شرق کشور به سمت غرب آن حرکت کند. «آخرین ما» بدون شک یکی از بهترین بازی‌های مخفی کاری تمام دوران است. در بسیاری دیگر از بازی‌ها با لو رفتن موقعیتتان، عموماً می‌توانید با تسلیحات خود، دشمنان را آبکش کنید، یا نهایتاً با گلوله بمیرید، اما در این بازی از این خبرها نیست، هر حرکت اشتباه می‌تواند به آگاهی کلیکرها منجر شده و لحناتی پر از استرس را برای شما رقم بزند. دلهره‌هایی که باید چند دقیقه برای برطرف شدنشان صبر کنید.



بهترین بازی مخفی کاری

از قسمت نخست متال گیر سالیید می‌توان به‌عنوان بهترین بازی مخفی کاری تمام دوران صنعت بازی یاد کرد. کوچیما در این عنوان برای اولین بار المان‌هایی را به کار برد که برای بسیاری از سازندگان تبدیل به استاندارد شدند. از مکانیک‌های جالب بازی مانند مخفی شدن در کارتن مقوایی و استفاده از سس گوجه‌فرنگی به‌عنوان خون تا باس‌فایت‌های به‌یادماندنی مانند مبارزه با سایکومانتیس که مموری کارت شما را می‌خواند و درباره بازی‌های کونامی اظهار نظر می‌کند، تا نبرد با لیکوید استیک، همه و همه باعث شدند این بازی تبدیل به خاطر‌هائیکزترین و بهترین بازی مخفی کاری تاریخ بازی‌های ویدئویی شود.



• Last of Us

• Metal Gear Solid

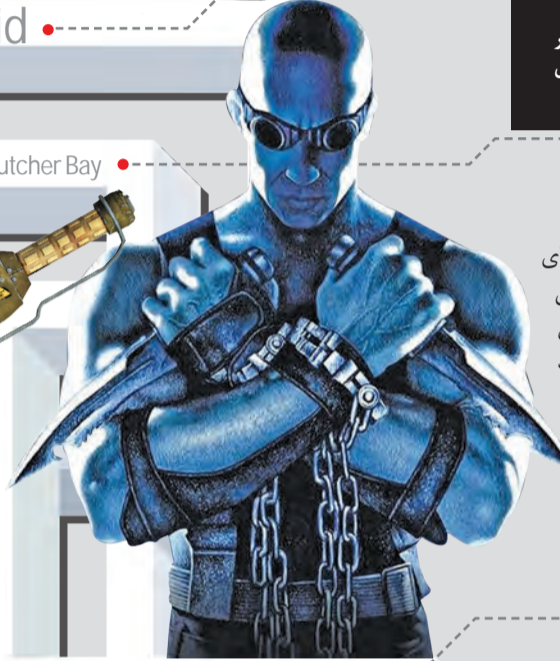
تئوری توطئه

قسمت سوم سری اسپلینترسل به‌عقیده بسیاری از طرفداران سری، بهترین قسمت آن است. سازندگان در این قسمت با بالا بردن مهارت‌های مخفی کاری سام فیشر، عملاً غیرممکن را ممکن کردند. به‌عنوان مثال گیمرها می‌توانستند با آویزان شدن از لوله‌ها، دشمنان را خفه کنند. ماده‌های جدیدی هم به قسمت چند نفره بازی افزوده شد تا یوبی‌سافت، تبدیل به سازنده یکی از بهترین بازی‌های ژانر مخفی کاری در تاریخ شود.



• Splinter Cell: Chaos Theory

• Chronicles of Riddick: Escape from Butcher Bay



• Splinter Cell

• Splinter cell: Pandora Tomorrow

• Thief

ماجراجویی‌های یک دزد

مخفی‌کاری تا سال ۱۹۹۸، عملاً یک ژانر حاشیه‌ای و نه‌چندان محبوب بود؛ ولی در آن سال با عرضه عناوین شاهکاری مانند «متال گیر سالیید» و «تنچو: استلت اساسینز» (Tenchu: Stealth Assassins) ناگهان این ژانر مورد توجه قرار گرفت. اما این دو عنوان، تنها عناوین مخفی کاری نبودند که عرضه شدند. عنوانی برای کامپیوترها عرضه شد به نام «تیف: دارک پراجکت» (Thief: Dark Project). این بازی که با دوربین اول شخص دنبال می‌شود، روایتگر ماجراجویی‌های یک دزد به نام گرت، در خیابان‌های تاریک و وهم‌آلود شهری آلوده بود. حرکات مخفی کارانه و کمان شخصیت اول، از نکات مثبت این بازی بودند که در بازی‌های دیگر کمتر نظیرشان یافت می‌شد.



• sons of liberty: Metal Gear Solid 2

• guns of patriot: Metal Gear Solid 4

توفان کوچیما

اکنون به قسمت دوم متال گیر سالیید می‌رسیم. این عنوان در سال ۲۰۰۱ و برای کنسول پلی‌استیشن ۲ عرضه شد. اگر بگوییم انتظارات از این بازی بالا بود، قطعاً بی‌بهره نگفته‌ایم. با وجود موفقیتی که قسمت نخست سری متال گیر سالیید به‌دست آورد و آن‌گونه‌که صنعت بازی‌های ویدئویی را به آتش کشید، انتظارات از قسمت دوم سر به آسمان گذاشتند. «هیدئو کوچیما» به‌عنوان کارگردان بازی، به هیچ‌عنوان انتظارات طرفداران را به یأس بدل نکرد. با این‌که گیمرها را مجبور کرد قسمت اعظمی از بازی را با کنترل رایدن، نینجای موطلائی انجام دهند، اما داستان بسیار گیرا و پایان غافلگیرکننده بازی، موجب شد تمام ناراحتی طرفداران که به‌خاطر رایدن به وجود آمده بود، تا حدودی از یادها زوده شود. با این‌که رایدن یک نینجاست و چندان از او انتظار مخفی کاری نمی‌رود، اما بازهم المان‌های مخفی کاری در بخش مربوط به رایدن به‌خوبی رعایت شده بودند. رعایت همین نکات باعث شدند بازی به یک عنوان اکشن محض تبدیل نشود.



اسنیک باز نشست می‌شود

حال به یکی از سلاطین مسلم ژانر مخفی کاری می‌رسیم که بارها و بارها ثابت کرده برای انجام هر کاری راه‌ها و روش‌های فراوانی وجود دارد. متال گیر سالیید ۴ (Metal Gear Solid 4) یکی از عناوین انحصاری کنسول پلی‌استیشن ۳ است که در سال ۲۰۰۸ عرضه شد. در این نسخه که سینمایی‌ترین قسمت محسوب می‌شود، گیمرها بار دیگر در نقش سالیید اسنیک ظاهر می‌شوند. اسنیک که به‌دلیل برخی از مشکلات ساختار بدنش (او کلون بیگ‌باس است) دچار کپولت سن زودرس شده و در نتیجه مانند سال‌های قبل چابک نیست، اما برای جبران این نقص، دسترسی به زرادخانه‌های مملو از تسلیحات و لباس‌های دیجیتالی دارد تا او را با محیط اطراف سازگار کند. قسمت چهارم متال گیر، حماسه سالیید اسنیک را به زیبایی هر چه تمام‌تر به پایان رساند.



می‌رسیم. ان مسلح به ده از آن‌ها به یوران خود، آن کنند. وجود بخش را در بازی‌های خود

سازنده:
اردیبهشت استودیو
پلتفرم (فضای اجرای بازی):
اندروید

سازنده:
جی‌کپ
پلتفرم (فضای اجرای بازی):
اندروید

سازنده:
جی‌کپ
پلتفرم (فضای اجرای بازی):
اندروید

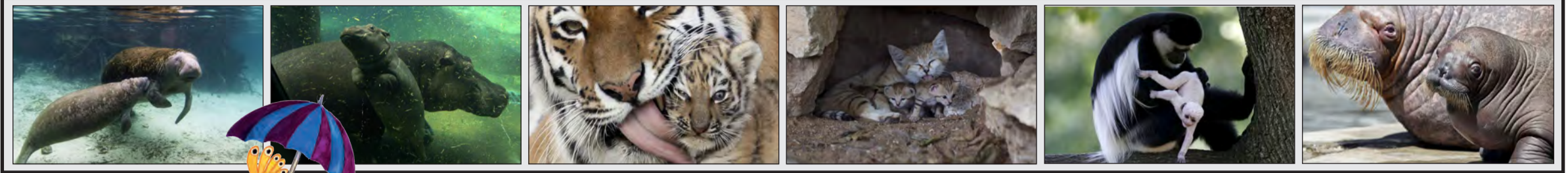
دور

فرمز یا آبی؟ تیم‌تان را مشخص کنید، به‌صورت دایره دور هم بشینید، طوری که هم‌تیمی شما رویه‌رویتان قرار بگیرد. لیست کلمات و تنظیمات بازی با توافق دو گروه مشخص می‌شود. نفر اول که بازی را شروع می‌کند، کلمه‌ای که روی صفحه ظاهر شد را باید در سریع‌ترین زمان ممکن به هم‌تیمی‌اش برساند و او وقتی کلمه را حدس زد، باید روی صفحه بازی کلیک کند (کلمه بعدی را می‌بیند) و گوشی را به نفر سمت راستش بدهد تا او هم به هم‌تیمی خود کلمه را منتقل کند. به همین شکل گوشی می‌چرخد تا اینکه زنگ پایان به صدا دربیاید.

رای بازی:
GIL

حیوانات و بچه‌هايشان (۲)

حتی حیوانات قوی هیکل و ترسناک هم کنار بچه‌هایشان آرام به نظر می‌رسند.



در داستان غرق شویم

دادگاه ششپایه‌ها

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرندگانی شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم. پست الکترونیکی ما، hodhod8@kpf-khr.ir

دوست من! آیا می‌دانی بخش مکاتبه‌های مرکز آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نوجوانانی که نوشتن را دوست دارند کمک می‌کند تا بهتر از قبل بنویسند و با آثار شاعران و نویسندگان بزرگ، بیشتر آشنا شوند؟ این دوستی با نامه‌نگاری ادامه پیدا می‌کند. دوست داری یکی از این نامه‌ها را بخوانی؟



تاسم رضی

یادداشت‌های یک جوان دیروزی

یه وقتایی آدم باید جاهل کنه

زمان ما به جوان می‌گفتند جاهل. جسارت به ساخت بامرام شما نشه یک‌دفعه، جاهل اون زمان کمتر به معنای نادان بود. حالا جاهل معنی نادان پیدا کرده. اون زمان دودسته جاهل بودند؛ یک‌عده‌ای بودند که کت و شلوار مشکی و پیراهن سفید و کلاه دورداد و کفش قیصری و دستمال قیصری داشتند و سیبلشون تا بناگوش بود و اخلاق خاصی داشتند که بهشون می‌گفتند جاهل.

حالا گذشته و رفته، اما همیشه هم اینا آدمای بدی نبودند. یه وقتایی مردونگی‌هایی داشتند و لوطی‌گری‌هایی که قصه‌هاشون شده بود سوژه‌های فیلمفارسی. قبل از انقلاب یه جور محبوب بودند و بعد انقلاب یه جور، باز بعد انقلاب سربالایی بود که توی اون طرف مثال‌لات و جاهل بود و توبه می‌کرد و آدم می‌شد... مثل سریال روز دهم که عشق، جاهل رو کشید روی سکوی تعزیه حسین بن علی(ع) و باقی قضایا.

یه‌عده هم به جونا می‌گفتن جاهل. چون یه رفتاری از خودشون نشون می‌دادن که برای آدم بزرگا یه جورایی قبیح بود. مثلاً اگه یه نفر الان با موتور تک‌چرخ بره، بهش می‌گن: - ولش کن بابا! جاهله.

با این حساب بین این دو گروه اختلاف زیادی وجود داشت و هیچ‌کدوم از این‌ها به‌طور مطلق به معنی نادان نبودند، هرچند یه کنایه کوچیک توی هر کدومشون به نادانی وجود داشت. اما جوانی امروز کمتر جاهلی می‌کنند. همین که دست چپ و راستشون رو بلد می‌شن، مجبور می‌شن به قواعدی پابند باشن که از ته دل به اون قواعد اعتقادی ندارند. هرچند در بلندمدت ناچار به اعتقاد می‌شن. اما یه وقتایی آدم باید جاهلی کنه، چون بعداً حسرتش رو می‌خوره. از من گفتن بود. لاقال یا رفا کوه برید!

یک دهه، یک خروس

خون بود که از سروصورت خروس‌ها می‌ریخت. دور تادور میدان، بچه‌ها جمع شده بودند و خروس‌ها را تشویق می‌کردند. بچه‌های ده بالا به خروسشان می‌نازیدند و می‌گفتند: خروس ما لاری است، تمنا برنده می‌شود. اما بچه‌های پایین ده حاضر به پذیرفتن شکست نبودند. گرد و خاکی برپا شده بود.

آقدر سروصدا بود که صدا به صدا نمی‌رسید. حییب چندبار حسن را صدا زد، اما حسن متوجه نشد. به‌زور خودش را از لای جمعیت به حسن رساند و گفت: «حسن بدو بابات داره میاد.»

حسن تا این را شنید، پرید خروسش را زیر بغل زد و با گذاشتن به فرار. بچه‌های ده بالا شروع کردند به خندیدن. یکی از آن‌ها گفت: ترسو! چرا فرار می‌کنی؟

حسن می‌دوید و حییب هم دنبالش. - آهای حسن! می‌خواهی چه کار کنی؟ این خروس بدبخت که دارد می‌میرد.

حسن بدوید و خودش را به خانه رساند. در چوبی حیاط را باز کرد و خروس را توی مرغ‌دانی انداخت و خودش را به زیرزمین رساند و آنجا قایم شد. بعد از چند دقیقه پدر حسن چوب بدست وارد حیاط شد. مادر خودش را به حیاط رساند.

چی شده مرد؟! چرا آبروریزی می‌کنی؟

- مگه شما برای من آبرو گذاشتین؟ چنددفعه به این پسر بگم کاری با این خروس زبان‌بسته نداشته باش. چشم امید مردم ده به این یک خروس وقت‌شناس است. غیر از این خروس که دقیق موقع سحر می‌خونه، مگه خروس دیگه‌ای هم توی ده داریم؟ فکر نمی‌کنه سحر چه‌جوری از خواب بیدار بشیم؟ خروس بدبخت آش‌ولاش افتاده گوشه قفس. بیا ببین زنا!

مادر با دیدن خروس محکم پشت دستش زد.

- کی این بلا را سر این زبان‌بسته آورده؟

- از گل پستریس.

مادر همان‌طور که مرتب به پشت دستش می‌زد، صدا زد: آهای سکینه! یک پارچ بیار بینیم. حسن از لای پنجره به بیرون نگاه می‌کرد. پایش به دیگ خورد و دیگ افتاد. پدر نگاهش به‌طرف زیرزمین چرخید. یک شاخه از درخت باغچه کند و به‌طرف زیرزمین رفت.



بیشتر ساعات آن‌روز را حییب و حسن خوابیدند. ساعتی گذشت، حسن رو به حییب کرد و گفت: خوب وقتش است، تشمت را بردار.

حییب تشمت را برداشت و حسن هم چوب‌ها را. یواش یواش و پاورچین پاورچین به داخل حیاط رفتند، که صدای قوقولی‌قوقویی آن‌ها را به خود آورد. حسن رو به حییب کرد و گفت: حییب! خروس حالش خوب شده. حییب هم از خوشحالی تشمت را به هوا پرتاب کرد.

تشت به زمین که رسید، چنان صدای بلندی داد که پدر حییب از خواب پرید و زیر لب گفت: پیش! پیش! از دست این گربه‌ها هم آسایش نداریم. حییب و حسن به‌هم یک نگاهی کردند و با سرعت خودشان را از دیوار کاهگلی به داخل حیاط انداختند و به‌سراغ خروس رفتند.

فاطمه انجیدنی
مربی فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیشابور

سکینه آرام از پله‌ها پایین آمد و لقمه نان را کنار حسن گذاشت و گفت: نه گفته بابا نفهمه. وقت افطاره. حسن گوشه انباری شروع به خوردن کرد. یک‌دفعه صدایی به گوشش خورد.

- پیش! پیش!

حسن به‌طرف صدا برگشت: «حییب! تو اینجا چه کار می‌کنی؟»

- بابات کتکت زده؟

- آره! حال خروس چطوره؟

- خیلی بده! اگه نمیره معجزه است.

- حییب! حالا چه کار کنیم؟ اگه مردم ده سحر خوابشان ببرد، تقصیر من است. گناهش گردن من می‌افتد.

- توی زیرزمین می‌خواهی چه کار کنی؟

- کمکم می‌کنی؟

- آره، بگو باید چه کار کنم؟

- خوب برو دوتا چوب و یک بیت حلبی یا تشمت بیاور. تا سحر هم باید بیدار باشی!

حییب رفت و بعد از مدتی با یک تشمت و دوتا چوب برگشت. پاورچین پاورچین به داخل زیرزمین رفت: «بیا حسن، این هم وسایلی که خواسته بودی!»

حسن خنده‌ای کرد و وسایل را از حییب گرفت.

حییب رو به حسن کرد و گفت: حسن! اگه خوابمان برد چه؟

- خوابمان نمی‌برد.

ساعتی گذشت. کم‌کم خواب به چشمان حییب و حسن آمد. حسن گفت: حییب تو بخواب. یک ساعت بعد بیدارت می‌کنم.

بعد من می‌خوابم. حییب خوابید و کم‌کم چشمان حسن هم روی هم رفت. یک‌دفعه با دلهره و نگرانی از خواب پرید و گفت: حییب! حییب! حییب! حییب! حییب!

حییب مثل اسبند از جا پرید و تشمت و یکی از چوب‌ها را برداشت.

حسن و حییب با سرعت از نردبان نیمه‌شکسته بالا رفتند و شروع به کوبیدن روی تشمت کردند.

یکی یکی صدای دادوبیداد از خانه‌ها بلند می‌شد.

ای بابا! این وقت شب کی مردم آزاری‌اش گرفته؟ چرا نمی‌گذاردید بخوابیم؟

حسن چشم‌هایش را بسته بود. محکم روی تشمت می‌زد و هیچی نمی‌شنید. حییب آستین حسن را گرفته بود و می‌کشید.

- حسن! بابات. حسن! بابات.

بعد از مدتی حسن به خودش آمد. دید بابایش روی نردبان ایستاده و از لبه پشت‌بام با خشم نگاه می‌کند. حسن درحالی که از ترس به من افتاده بود، گفت: بابا مگه چه کار کردم؟

- بگو چه کار نکردی؟ این سروصداها چیه؟

- بابا می‌خواستیم مردم را برای سحر بیدار کنیم.

- کی از سه‌چهار ساعت مونده به سحر بیدار می‌شود؟

حسن از ترس خودش را انداخت روی تشمت و حییب هم دنبالش. توی زیرزمین رفتند و در را بستند. پدر روی پله‌ها ایستاد و گفت: حالا چندروز اونجا بمونی، مردم آزاری را فراموش می‌کنی.

حییب رو به حسن کرد و گفت: حسن همه‌اش تقصیر توست، چرا خوابت برد؟

- غصه نخور، فردا حواسم را جمع می‌کنم.

فردا شب آن‌روز حییب از روی دیوار خودش را به حیاط انداخت و یواش یواش توی تاریکی به‌طرف زیرزمین رفت و گفت: حسن! تو هنوز توی انباری هستی؟

- آره!

- اوادم بگم اگه نقشه‌ای داری، من هم هستم.

- آره مثل دیشب دیدم چه کار کردی.

- خیلی خوب! حالا نمی‌خواهد به دل بگیري. می‌خواهی چه کار کنی؟

- نمی‌دونم! بهتره بریم وسط میدون ده و روی تشمت بزنینم، اما باید سعی کنیم نخوابیم.

حییب یواش در زیرزمین را باز کرد و داخل شد. تا نزدیک سحر بیدار بودند و با هم حرف می‌زدند.

خواب کم‌کم به‌سراغ چشمانشان آمد. بعد از مدتی حییب از جا پرید و گفت: حسن! پاشو! پاشو! سحر شده.

حسن سریع تشمت و چوب را برداشت و به‌همراه حییب به‌طرف میدان وسط ده به راه افتادند.

حییب گفت: حسن فکر می‌کنی سحر شده؟

- آره بابا! آسمان را ببین! تاریک تاریک نیست. سحره.

به وسط میدان که رسیدند، شروع به زدن روی تشمت کردند. چه سروصدایی به‌پا شده بود. حییب از دور یک‌نفر را دید که با سرعت به‌طرف آن‌ها می‌دود. مش کریم بود که یک بیل روی دوشش بود و به‌طرف آن‌ها می‌آمد. نفس‌نفس‌زنان داد زد: پدرصلواتی‌ها! چه کار می‌کنید؟

بچه‌ها از کوبیدن روی تشمت دست کشیدند. حسن با غرور گفت: داریم مردم را برای سحر بیدار می‌کنیم.

مش کریم گفت: کدام سحر؟

حییب با ترس گفت: مگه سحر نشده؟

مش کریم گفت: چرا! سحر شده، اما از وقت اذان گذشته.

حییب با دست لباس حسن را کشید و گفت: حسن بدو بابات!

حسن بدون اینکه رو برگرداند و بابایش را ببیند، پا به فرار گذاشت. داد زد حییب! می‌شه به نهم بگی من خونه شمام؟!

